یادداشت

سیدعبدالله متولیان

تقابل راهبردی ایران و امریکا در غرب آسیا

خلیج فارس در قلب منطقه غرب آسیا به دلیل موقعیت ژئوپلتیکی، سوق‌الجیشی، استراتژیکی و نئوژئواستراتژیکی ویژه‌ای که دارد در طول قرن‌های گذشته از حیث سیاسی، امنیتی، اقتصادی و... همواره مورد توجه اهالی سیاست و سردمداران نظام سلطه بوده تا جایی که یکی از علل ایجاد رژیم منحوس و کودک‌کش صهیونیستی مشغول نمودن کشورهای مسلمان منطقه و تضعیف آنان و استمرار سلطه بر این منطقه و آبراه ویژه بوده‌است و هر چه زمان به پیش رفته بر درجه اهمیت آن افزوده و ابعاد جدیدی از ضریب اهمیت آن برای جهانیان آشکار شده‌است.

سیلاک دریاسالار هخامنشی پایه‌گذار «استراتژی دریایی» معتقد بود هر کشوری که بر سه نقطه کلیدی و استراتژیک بحرین، عمان و یمن (تنگه‌های استراتژیک هرمز و باب‌المندب) مسلط شود بر جهان حکومت خواهد کرد. در قرن‌های بعد نیز نه تنها این نظریه منسوخ نشد بلکه بر قوت و استحکام آن افزوده شد و نظریه‌پردازانی نظیر «کارل هاوس هافر»، «نیکولاس اسپایکمن» و «آلفرد تیر ماهان» در تئوری‌های «هارتلند» «ریملند» و «تئوری قدرت دریایی» از اهمیت منطقه خلیج فارس بر اساس عواملی همچون: «موقعیت جغرافیایی»، «ویژگی‌های طبیعی»، «طول ساحل»، «جمعیت»، «خصوصیات ملی» و «خط مشی حکومت و رهبران سیاسی» سخن گفته‌اند.

موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ذخایر عظیم انرژی، از مهم‌ترین عواملی است که باعث اهمیت مضاعف این منطقه شده است. از این رو، هر کدام از بازیگران و سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، برای توسعه نفوذ و حضور در غرب آسیا به رقابت پرداخته و در صدد دستیابی به منافع و اهداف خاص خود در منطقه هستند.

امریکا به عنوان مهم‌ترین بازیگر فرامنطقه‌ای دخیل در معادلات سیاسی، امنیتی و اقتصادی، در راهبردهای خاورمیانه‌ای خود اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدتی را دنبال می‌کند و توأمان از ابزارهای متنوع سخت و نرم برای تحقق این اهداف استفاده می‌کند. نظم جدید حاکم بر خاورمیانه مورد نظر امریکا، مبتنی بر ایجاد توازن قوا و جلوگیری از ایجاد یک ابرقدرت منطقه‌ای است. به عبارت دیگر، امریکا در تلاش است با کمک قدرت‌های منطقه به طور موازی از قدرت گرفتن بیش از حد یکی و تضعیف دیگری جلوگیری و از این طریق اهداف سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود را در این منطقه دنبال کند.

انقلاب اسلامی ایران از همان آغاز پیدایش در نقطه مقابل اهداف نظام سلطه به رهبری شیطان بزرگ امریکا قرار گرفته و در جهت محو استعمار حرکت خود را آغاز نمود و طی چهار دهه گذشته با عبور از گردنه‌های صعب‌العبور و غلبه بر انواع دسیسه‌های دشمنان در حوزه‌های جنگ سخت، نیمه سخت و نرم بر اساس گزارش پایگاه امریکن اینترست در سه سال گذشته به دلیل دارابودن اقتدار مسلط، مستقل و کاملاً بومی نظامی به‌عنوان هفتمین قدرت برتر جهان معرفی شده است.

هم اینک جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین بازیگر قدرتمند منطقه‌ای و دارای عمق استراتژیک مؤثر در منطقه غرب آسیا، بیشترین نقش را در ایجاد نظم منطقه‌ای و شکل‌دهی به ساختارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی منطقه دارد و از این رو، شایسته است سیاست‌های راهبردی خویش را متناسب با ساختارهای قدرت در این منطقه و سیاست خارجی دیگر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به خصوص امریکا تنظیم و بازسازی شود تا از این طریق هم از فرصت‌های به وجود آمده بهره‌برداری نماید و هم هزینه‌های احتمالی ناشی از قدرت بازیگری دیگر بازیگران را به حداقل ممکن برساند.

در شرایط کنونی هیئت حاکمه امریکا با همراهی شرکای اروپایی و آسیایی خود در صددند با ارائه نشانه‌های غلط و آدرس‌های اشتباهی که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌شود مسئولان و دولتمردان ایران را متقاعد سازند که در شرایط بحرانی کنونی بهتر است بر خلاف چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران به جای حرکت در راستای تبدیل شدن به قدرت مسلط و درجه اول منطقه غرب آسیا، در جهت اهداف و امیال شیطان بزرگ و کمک به توازن قدرت کشورهای منطقه حرکت کنند:

۱ - تلاش برای ورود داعش به داخل ایران
۲ - کشتن ملوان ایرانی و گروگانگیری توسط رژیم سعودی حاکم بر حجاز
۳ - برگزاری کنگره گروهک منافقین در فرانسه
۴ - تشدید عملیات‌های تروریستی در مرزهای شرقی
۵ - افزایش تحرک گروهک‌های تجزیه طلب در کردستان
۶ - تشدید حملات رژیم صهیونیستی به سوریه
۷ - تشدید عملیات روانی و منازعات لفظی رژیم سعودی حاکم بر حجاز با ایران
۸ - اعلام علنی تلاش برای اسقاط حکومت ایران
۹ - جلو انداختن پروژه ولایتعهدی محمد بن سلمان
۱۰ - تلاش برای ایجاد ناتوی عربی

واقعیت و حقیقت تلخ این است که محور شرارت «غربی، عبری، عربی» به شدت به مرگ و اسقاط نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران تشنه و خواب راحت از آنان گرفته شده است و اما حقیقت بزرگ‌تر و شیرین‌تر اینکه غرب و اذناب و هم‌پیمانان منطقه‌ای غرب به دلایل متعدد مطلقاً نه امکان حمله به ایران را دارند نه اراده چنین جسارتی را دارند.

امروز باید توجه داشته باشیم که:

۱ - هژمونی غرب با سرعت برق‌آسا در حال فروپاشی است.
۲ - امکان ترمیم هژمونی غربی وجود نداشته و کاست‌ها به سرعت جایگزین هژمونی مذکور خواهد شد.
۳ - بر اساس قرائن و شواهد بسیار تنها هژمونی که امکان ظهور و بروز دارد، هژمونی انقلاب اسلامی مبتنی بر بیداری اسلامی ملت‌های مسلمان است.
۴ - قدرت اقتصادی امریکا نیز به شدت در حال افول و فروپاشی بوده و کسری بودجه نظام امریکا را رنج می‌دهد.
۵ - حجم مشکلات داخلی امریکا در حوزه‌های مختلف آن‌قدر بالاست که به هیچ وجه امکان عرض‌اندام امریکا در قامت یک ابرقدرت وجود ندارد.
۶ - مبانی قدرت در جهان تغییر کرده و بر همین اساس امکان ایجاد اتحاد علیه یک کشور مثل سابق وجود ندارد.
۷ - ساختار سازمان ملل متحد نیز کارآمدی خود را از دست داده و نمی‌تواند کمک مؤثری به اهداف غرب بنماید.
۸ - عمق استراتژیک جمهوری اسلامی در منطقه امکان هرگونه تحرک نظامی را از غرب علیه ایران از بین برده است.
۹ - قدرت موشکی ایران به‌عنوان سومین قدرت موشکی جهان امکان تحقق تهدید سخت را از دشمنان سلب نموده است.
۱۰ - کشورهای همسایه ایران در بدترین شرایط ممکن نسبت به ایران به سر می‌برند و امکان همکاری مؤثر با غرب علیه ایران را از دست داده‌اند.

با توجه به مباحث و مطالب گفته شده ضروری است دولتمردان و مسئولان جمهوری اسلامی ایران با درک صحیح از صحنه قدرت در منطقه غرب آسیا خود را برای جهش اقتدار و تفوق حوزه نفوذ و رفع موانع و ایجاد اتحاد بین‌الملل اسلامی (همانگونه که حضرت امام راحل پیش‌بینی کرده بودند) آماده سازند.

خبر

سردار سلامی: دامنه قدرت را گسترده‌تر و میدان عمل‌مان را بازتر می‌کنیم

جانشین فرمانده کل سپاه با بیان اینکه اقتدار و قدرت ما اعتباری جهانی یافته است، گفت: دشمنان امروز این توانمندی را به رسمیت می‌شناسند و برای آن حساب ویژه‌ای معادل نگاه به یک ابرقدرت باز کرده‌اند.

به گزارش فارس، سردار حسین سلامی، جانشین فرمانده کل سپاه در همایش فرماندهان و مدیران نیروی دریایی سپاه در ستاد فرماندهی این نیرو که در بندرعباس برگزار شد، با بیان اینکه ظهور انقلاب اسلامی ایران معادلات و مناسبات ظالمانه ابرقدرت‌ها را بر هم زد، گفت: دشمنان با وجود اینکه در به‌کارگیری تمام عناصر قدرت به درجه اشباع رسیده‌اند، اما قادر نیستند نتیجه تحولات ناشی از شکل‌گیری و توسعه گفتمان انقلاب اسلامی را مدیریت کنند.

وی با بیان اینکه امروز تمام ظرفیت و قدرت نظام سلطه علیه انقلاب اسلامی وارد عمل شده است، اظهار داشت: اما هر چه دشمن قدرت‌افزایی می‌کند، نمی‌تواند بیش از این موثر واقع شود، جغرافیای سیاسی انقلاب اسلامی در حال گسترش است و میدان تأثیر و فضای تحولی با نقش‌آفرینی هواداران انقلاب در منطقه به گونه‌ای به‌وجود آمده که در حال تغییر مناسبات قدرت در جهان است. جانشین فرمانده کل سپاه با بیان اینکه گسترش جغرافیای سیاسی انقلاب اسلامی فضای تسلط سیاسی سنتی امپراتوری‌ها را تنگ‌تر کرده است، گفت: مناطقی که روزگاری سرزمین‌های بلامنازع و تحت سیطره امنیتی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی دشمن بود، امروز به میدان‌های بزرگ جهاد علیه دشمنان ما تبدیل شده‌است. سلامی با تأکید بر اینکه ساختمان عظیمی از قدرت با بهره‌گیری از گفتمان الهام بخش انقلاب اسلامی در حال شکل‌گیری است، گفت: قدرتی که می‌تواند در دوردست با سیاست‌های دشمنان اسلام به نحو شایسته درگیر شود آن را متوقف و منحرف کند و ناکام گذارد. وی با بیان اینکه اقتدار و قدرت ما اعتباری جهانی یافته است، گفت: دشمنان امروز این توانمندی را به رسمیت می‌شناسند و برای آن حساب ویژه‌ای معادل نگاه به یک ابرقدرت باز کرده‌اند.

سلامی با بیان اینکه اینگونه به نظر می‌رسد که دشمنان ما هیچ اولویت و دغدغه‌ای بالاتر از مقابله با انقلاب اسلامی ایران ندارند، اظهار داشت: در هر مقطع زمانی، جهان یک میدان تحول دارد که از آن نقطه تحولات جهان شکل می‌گیرد و امروز این میدان، غرب آسیا است که به پاشنه آشیل تحولات جهانی تبدیل شده است. جانشین فرمانده کل سپاه با اشاره به روند رو به رشد خشونت، جنایت و فتنه در دنیا گفت: این وضعیت رهاورد بدیهی و مستقیم سیاست‌های امریکا و رژیم صهیونیستی در دنیا است.

سلامی در بخش دیگری از سخنانش با استناد به تحولات جاری منطقه و جهان، خطاب به فرماندهان نیروی دریایی سپاه تأکید کرد: راهبرد امروز ما ایستادگی فعال و نه منفعل است؛ یعنی در عین حال که ایستاده‌ایم، پیش هم می‌رویم و دامنه قدرتمان را گسترش می‌دهیم، میدان عمل‌مان را بازتر می‌کنیم، کمیت و کیفیت را با هم افزایش می‌دهیم و قابلیت فنی سیستم‌ها را ارتقا می‌بخشیم. وی در ادامه خاطرنشان کرد: فضای حاکم بر تحولات جاری و تحرکات معنادار دشمن ما را به این ضرورت و باور رسانده است که باید ابعاد دفاعی خودی را گسترش دهیم که تکمیل ابعاد مختلف قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران از آن جمله است.

سلامی در پایان با اشاره به عملکرد مقتدرانه نیروی دریایی سپاه در عرصه مقابله با تهدیدات دشمن، گفت: شعاع اطلاعاتی و افق راهبردی نیروی دریایی سپاه متناسب و هم تراز با تحرکات و تهدیدات دشمن عمق و گسترش می‌یابد.

خبر یک

عزم قوه قضائیه در رسیدگی به مفسده چهره‌های نزدیک به قدرت

احسان نادری | میزان

آغاز روند رسیدگی به پرونده نزدیکان رئیس‌جمهور فعلی و رئیس‌جمهور سابق در قوه قضائیه به اتهام فساد مالی در حالی شکل گرفته که مطالبه برخورد با فساد دانه درشت‌ها و آقازاده‌های سیاسی جزو مهم‌ترین مطالبات عمومی در سطح جامعه است؛ مطالبه‌ای که به نظر می‌رسد قوه قضائیه توجه به آن را باردیگر در صدر اقدامات خود قرار داده است.

تأخیر قوه قضائیه در رسیدگی به این پرونده‌ها، آن هم به دلیل رعایت برخی مصالح جامعه و نظام، این ذهنیت را نزد افکار عمومی ایجاد می‌کند که برخی چهره‌ها به واسطه ارتباطشان با افراد صاحب نفوذ در کشور از مصونیت قضایی بهره می‌برند. گهگاهی که قوه قضائیه عزم ورود به حسابرسی از نزدیکان مسئولان را می‌کند با سر و صدای برخی چهره‌های صاحب نفوذ همراه می‌شود اما اقدامات اخیر دستگاه قضایی نشان داد که این قوه با کنار گذاشتن تعارفات سیاسی و فارغ از جناح بندی‌های معمول به دنبال اجرای قانون در مورد مفاسد اقتصادی است. مفاسدی که طی سالیان گذشته ضربات زیادی را متوجه نظام اقتصادی کشور کرد و این زمینه را فراهم آورد که سرمایه‌گذاران داخلی، دلزده از پیشبرد برنامه‌های اقتصادی خود، سرمایه خود را به خارج از کشور ببرند یا در خوشبینانه‌ترین حالت، در بانک‌ها سپرده کنند و سود آن را دریافت کنند.

■ انتظار رهبری

اما ورود جدی قوه قضائیه به پرونده‌های مفاسد اقتصادی چهره‌های نزدیک به مسئولان، فارغ از دسته‌بندی‌های سیاسی در حالی اتفاق افتاد که اردیبهشت ماه سال ۸۰ رهبر انقلاب با صدور فرمانی هشت ماده‌ای خطاب به قوای سه‌گانه، خواستار برخورد با مفاسد اقتصادی شده بودند؛ موضوعی که سه سال قبل رهبر معظم انقلاب از عدم‌تحقق آن ابراز نارضایتی کردند. این نارضایتی از عدم تحقق این فرمان در حالی است که معظم له همواره دغدغه این موضوع را دارند که در دیدگاه ناظران خارجی، دولت، مجلس، قوه قضائیه و مجموعه نظام، عناصری یکپارچه هستند که بروز مفاسد اقتصادی و عدم رسیدگی به آن، تنها به حساب یک قوه یا دستگاه نوشته نمی‌شود و در نظر همان ناظران خارجی موضوعی عام برای جمهوری اسلامی ایران است که می‌توان عاملی برای تضعیف کلیت نظام شود.

در طرف دیگر باید این نکته را نیز مدنظر قرار داد که فساد مالی به ویژه از سوی افراد وابسته به قدرت تأثیر بسیار زیادی بر روند امنیت ملی کشور دارد. بی‌شک امروز با توجه به شکل‌گیری این پدیده شوم، مردم نسبت به مسئولان بی‌اعتماد خواهند شد و همین بی‌اعتمادی زمینه خدشه‌دار شدن امنیت ملی کشور را به دنبال خواهد آورد، اگرچه پادزهر این موضوع پاسخگویی شفاف مسئولان در خصوص نزدیکان خود است و همین موضوع سبب جلب اعتماد عمومی مردم به مسئولان و اعتقاد به عزم آنان برای برخورد با جرائم اقتصادی می‌شود که ثمره آن نیز چیزی جز افزایش سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و ایجاد امنیت اقتصادی در کشور نیست.

■ انتخاب کارگزاران نالایق

اما در راستای تصریح سه سال قبل رهبر معظم انقلاب در خصوص عدم رضایت از اجرا و پیگیری فرمان هشت ماده‌ای در خصوص مبارزه با مفاسد اقتصادی، چندین عامل تأثیرگذار می‌توان برشمرد. عامل اول موضوع عدم‌دقت در نحوه انتخاب کارگزاران نظام توسط مسئولان ارشد کشور است. واقعیت امر این است که ما در طول دوران نظام جمهوری اسلامی شاهد آن بوده‌ایم که در برخی از موارد به دلیل عدم‌آگاهی برخی از افراد به سمت‌هایی گمارده شده‌اند که ملاک‌های رفتاری‌شان در شأن نظام جمهوری اسلامی نبوده و گاهی نیز مایه زحمت برای کشور شده است، این در حالی است که کشور ما داعیه‌دار اجرای الگوی علوی در زمامداری کشور است اما در برخی موارد کمتر به معیارهای انتخاب کارگزاران که توسط حضرت علی (ع) مورد تأکید قرار گرفته است، عمل می‌شود. متأسفانه این موضوع اخیراً رواج بیشتری یافته و به‌رغم هشدارها و انذارهای دلسوزان نظام در خصوص به‌کارگیری برخی افراد مسئله‌دار در پست‌های مهم، این روند همچنان ادامه دارد.

نکته تأسف بار در این خصوص آن است که به رغم آگاه‌سازی مسئولان در خصوص حضور کارگزاران نالایق در سیستم اداره کشور، این مسئولان در مقابل برکناری آنان و حتی رسیدگی قضایی به موارد اتهامی آنها مقاومت عجیبی به خرج می‌دهند و با راه اندازی جنجال‌های رسانه‌ای، در برابر اجرای قانون می‌ایستند.

■ خلأ گزارش‌دهی مسئولان

یکی دیگر از دلایلی که زمینه بروز فساد اقتصادی در کشور می‌شود، موضوع عدم ارائه گزارش‌های شفاف توسط مسئولان به مردم است که در این میان حلقه واسط رسانه‌هایی هستند که وظیفه خطیر اطلاع‌رسانی عمومی را به عهده دارند، این در حالی است که رسانه‌ها با توجه به دریافت بازخوردهای عمومی اجتماع و طرح این بازخوردها با مسئولان در قالب سؤال، این امکان را دارند که همانند مشاوری امین، وضعیت جامعه را به مسئولان منعکس کنند و قبل از وقوع اتفاق بزرگ، جلوی آن را بگیرند.

■ لزوم پایش مداوم دارایی مسئولان

اما در این میان آنچه می‌توان به عنوان یک طرح برای مقابله با فساد سازمانی مورد بررسی و واکاوی قرار داد، طراحی سازوکاری برای پایش مداوم دارایی‌هایی افرادی است که در مواجهه مستقیم با اموال بیت‌المال قرار دارند؛ روندی که با توجه به توسعه تکنولوژی و زیرساخت‌های کشور و همچنین توانایی‌های دستگاه‌های امنیتی و نظارتی امری غیرقابل اجرا نیست. این موضوع می‌تواند در نهایت به سلامت اداری و اقتصادی کشور منجر شود و ایران را به عنوان یک نمونه شاخص در مبارزه با فساد در سطح دنیا مطرح کند.

■ عدم‌حسابرسی دقیق از بیت‌المال

دلیل دیگر در این نارضایتی را می‌توان در عدم‌حسابرسی شفاف از بیت‌المال توسط مسئولان امر و همچنین عدم‌پاسخگویی مناسب در این خصوص جست‌وجو کرد. متأسفانه گزارش‌های سازمان حسابرسی کشور در خصوص وضعیت هزینه بودجه کشور و همچنین گزارش تفریغ بودجه که توسط مجلس تهیه می‌شود، همیشه محلی برای نزاع‌های سیاسی بوده است، به همین خاطر این گزارش‌ها اکثر مواقع در میان هیاهوهای سیاسی گم می‌شود و کسی پاسخگوی آن نیست، از این رو تمامی این عوامل دست به دست هم می‌دهند تا حسابرسی قانع‌کننده‌ای از وضعیت هزینه‌کرد بودجه کشور صورت نگیرد و اگر هم صورت گرفت، با مهرهای خیلی محرمانه به رده اسناد طبقه‌بندی شده کشور بپیوندد.

ویژه

■ درد حنجره روحانی تقصیر آشناست!

«در گرماگرم گمانه‌زنی‌ها پیرامون حضور چهره‌های جدید در مناصب گوناگون دولتی و در سطح هیئت وزیران، برخی مدیران فعلی نیز به تکاپو افتاده و به میز و صندلی خود چنگ می‌زنند تا همچنان بر مسند قدرت باقی بمانند...» این تعبیر از یک روزنامه منتقد دولت نیست؛ بلکه این روزنامه اصلاح‌طلب آفتاب یزد است که مدیران روحانی را به چنگ انداختن بر میز و صندلی خود متهم می‌کند. روزنامه‌ای که در دعوای این روزهای عارف و دولتی‌ها خیلی جدی طرف عارف را گرفته است. آفتاب یزد در بخشی از این گزارش با متهم‌کردن تیم اطلاع‌رسانی دولت به کم‌کاری، پرویز اسماعیلی و حسام‌الدین آشنا را مقصر می‌داند. آفتاب یزد در ادامه با تأیید ضمنی ناراحتی حنجره حسن روحانی، حسام آشنا را مقصر این بیماری معرفی می‌کند: «آشنا یکی از مسببان فشل بودن تیم اطلاع‌رسانی دولت بوده است که به واسطه این ضعف این روزها حسن روحانی با آسیب‌دیدگی حنجره روبه‌رو است، چرا که به دلیل ناکارآمدی تیم رسانه‌ای‌اش خود مجبور به انعکاس دستاوردهایش در ایام انتخابات شد.»

کم کاری‌های دولت و خالی بودن لیست دستاوردهای آن باعث شده تا برخی حامیان روحانی تیم اطلاع رسانی دولت را مقصر بدانند. در حالی که حامیان عصبانی دولت باید مشکل را در جای دیگری جست‌وجو کنند؛ وقتی دستاوردی وجود ندارد، چه چیزی باید اطلاع رسانی شود؟!

■ فریدون را وقت گل نی بگیرید!

«اگر حسین فریدون مرتکب اقدام خلاف قانون شده، چرا اکنون باید اعمال قانون شود؟ اقدامات سلسله‌ای علیه روحانی به منظور فشار بر منتخب مردم در تصمیمات حساس هفته‌های آینده است تا شاید آنها نیز از این طریق سهمی در دولت آینده داشته باشند.» اینها جملاتی از شهربانو امانی، فعال اصلاح‌طلب است که دستگیری حسین فریدون را به دلیل فشار بر روحانی برای سهم‌خواهی در کابینه می‌داند؛ بی آنکه اتهامات وارده بر فریدون را رد کند! نوبخت، سخنگوی دولت نیز اشاره‌ای به همین موضوع دارد و می‌گوید: «هیچ فشاری از سوی هیچ جریانی به رئیس‌جمهور موثر نخواهد بود و ایشان کار خودشان را انجام خواهند داد. این مسائلی که اشاره کردید (بازداشت حسین فریدون) باعث نخواهد شد که آقای دکتر روحانی از اراده‌ای که دارند، برگردند.»

اگر فریدون را قبل از انتخابات دستگیر می‌کردند، گفته می‌شد برای تأثیرگذاری بر انتخابات و تبلیغ منفی علیه روحانی است. حالا که دو ماه از انتخابات می‌گذرد، می‌گویند برای سهم‌خواهی از کابینه است. لابد اگر بعد از تشکیل دولت جدید بود، گفته می‌شد که می‌خواهند دولت جدید را زمین بزنند. پس وقت رسیدگی به اتهامات حسین فریدون چه زمانی خواهد بود؟ نکند منظور اصلاح طلبان وقت گل نی است؟!

■ خبرهای نگران‌کننده از تیم اقتصادی دولت جدید

در ازدحام جنگ و جدل‌های اصلاح‌طلبان با یکدیگر بر سر چینش کابینه و انتخاب شهردار پایتخت، الیاس حضرتی، نماینده لیست امید در توئیتی می‌نویسد: «اخبار خوب و خوشایندی از بستن لیست کابینه به‌گوش نمی‌رسد مخصوصا در تیم اقتصادی. امیدوارم این اخبار درست نباشد.»

محمدرضا پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس هم همین نگرانی را دارد و گفته «خبرهایی از تثبیت بعضی از مدیران و وزرای اقتصادی و پیشنهادات بعضی از افراد که می‌خواهند جایگزین شوند، شنیده می‌شود که ما را نسبت به وضعیت آینده کشور نگران می‌کند. دولت تلاش دارد افرادی را که در تیم اقتصادی ضعیف عمل کرده‌اند حفظ کند و گزینه‌های پیشنهادی نیز ضعیف‌تر و ناهماهنگ‌تر از مدیران قبلی هستند. دولت قصد دارد افراد دوتابعیتی را برای وزارتخانه‌ها معرفی کند؛ کسی که زیر پرچم کشور دیگری سوگند یاد کرده است، چگونه می‌خواهد به نظام و انقلاب پایبند باشد. همچنین خبرهایی رسیده که افرادی که سال‌ها اقامت کشورهای دیگر را داشته یا دارند، می‌خواهند برای کابینه معرفی شوند.»

نگاه

فرهاد نظریان سامانی

دلواپسی‌های دیرهنگام ظریف

مرداد ماه ۹۴ بود که در راستای رهنمودهای مقام معظم رهبری در خصوص تبیین عالمانه و کارشناسانه توافق هسته‌ای نشستی برای تبیین برجام و بررسی الزامات پیش‌رو با حضور رئیس شورا، وزیر امور خارجه، معاونانش و جمعی از استادان حقوق بین‌الملل عمومی و روابط بین‌الملل در دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد.

در این نشست سؤالات زیادی از سوی کارشناسان مطرح و از سوی وزیر خارجه و معاونانش پاسخ داده می‌شد. یکی از مهم‌ترین سؤالات که دغدغه بسیاری از دلسوزان انقلاب هم بود، مربوط به سؤال آقای دکتر فؤاد ایزدی بود که خیلی شفاف از وزیر محترم خارجه پرسیدند که چه تضمینی به رعایت و اجرای مفاد برجام از سوی دولت بعدی در امریکا وجود دارد و اصولاً آیا این موضوع و التزام دولت بعدی برای نادیده نگرفتن برجام، لحاظ شده است یا خیر؟ چرا که زمانی دولت در امریکا تغییر می‌کند که ما تمام تعهداتمان را به نحو احسن انجام داده‌ایم و حال نوبت امریکاست که تعهداتش را اجرا کند.

در پاسخ به این سؤال آقای ظریف از تئوری‌های بین‌الملل یاد می‌کند و صراحتاً و با اعتماد به نفس و اطمینان خاطر می‌گوید که «مبنای مقبولیتی» بین‌الملل این توافقنامه، هیچ‌گاه نخواهد گذاشت که امریکا بخواهد نسبت به برجام خدشه یا کارشکنی کند و اگر با امضای رئیس‌جمهور بعدی امریکا، برجام لغو و تحریم جدید اعمال شود، پس از آن هیچ کسی در بین‌الملل پیدا نخواهد شد که از وی تبعیت کند، چرا که مبنای مقبولیتی برجام اجازه چنین کاری را نمی‌دهد.

امروز پس از گذشت تقریباً دوسال از این نشست، وقتی صحبت‌ها و مواضع آقای ظریف را دنبال می‌کنم، به یک چرخش گفتمانی و رفتاری می‌رسم که کاملاً متضاد با سخنانی است که در اوایل انعقاد برجام، از ایشان و همکارانش می‌دیدیم. امروز آقای ظریف بسیار دلواپس‌تر از دلواپسان شده است ولی چه فایده که بسیار دیرهنگام است.

امروز وقتی زمان نشان داده است که امریکا پایبند به برجام نیست و هر کشوری در جهان بین‌الملل بخواهد کوچک‌ترین حرکت با موضوعیت ایران انجام دهد باید حتماً از کانال مجوزی امریکا تردد کند و حتی بزرگ‌ترین هلدینگ‌ها و شرکت‌های فراملیتی هم با اجازه امریکا می‌توانند به قصد بستن قرارداد به ایران سفر کنند که نمونه عینی آن توتال است که مسئولان خودمان به صراحت گفتند که قطعاً توتال با امریکا برای آمدن به ایران مشورت کرده است و حتی پس از بستن قرارداد با ایران، توتال اعلام می‌دارد که اگر تحریمی اعمال شود، ناچاراً از آن تحریم تبعیت می‌کند، یعنی اینکه امریکا، امریکاست و نمی‌توان آن را با چند تئوری بین‌الملل تحلیل کرد و گفت امریکا، اروپاست یا یک کشور دیگر است.

مشکل اساسی نیروهای انقلاب با مذاکرات هسته‌ای و تمام دلواپسی‌های آنها در موضوع برجام، این بود که چرا اینقدر ساده‌انگارانه به امریکا نگریسته می‌شود و چرا تعاریف تیم مذاکره‌کننده از مفهوم امریکا، بویی از خصم نمی‌دهد و جلوه دیگری از آن را مفهوم‌شناسی کرده‌اند که هیچ‌گاه در ادبیات انقلاب دیده نشده است.

خوی استکباری امریکا در وجدان تمام مسئولان امریکایی وجود دارد و سیاه و سفید، جمهوریخواه و دموکرات نمی‌شناسد و متأسفانه این موضوع به‌رغم تأکیدات فراوان، همیشه به سخره گرفته می‌شد و طوری رفتار می‌شد که انگار هیچ کس جز تیم مذاکره‌کننده، سواد روابط بین‌الملل ندارد.

امروز ما در عرصه اجرای تعهدات برجام از سوی امریکا و سایر کشورها دچار یک دریوزگی پنهان شده‌ایم. کم کم پس از عدم رفع بسیاری از تحریم‌ها که وعده آن به صراحت از سوی رئیس‌جمهور و تیم مذاکره‌کننده به سمع و نظر ملت شریف و صبور ایران رسید و همچنین اذعان «جریان‌ساز» رئیس بانک مرکزی که «تقریباً هیچ چیزی در موضوع برجام اتفاق نیفتاده است»، فشارهای ایمیلی و توئیتری افزون گشت و این هم دیگر جواب نداده است و حالا تمام زحمات تیم هسته‌ای در حال به باد رفتن است و امروز این گله‌مندی از امریکا از زبان تیم مذاکره‌کننده شنیده می‌شود و آقای ظریف عیناً سخنانی را به زبان جاری می‌سازد و مواضعی را اتخاذ می‌کند که پیش‌تر مورد تمسخر و حتی عصبانیت وی و معاونانش قرار می‌گرفت.

این روزها را وقتی دنبال می‌کنیم، فقط یک موضوع دلمان را امیدوار نگه داشته است و آن پیش‌بینی‌های راهبردی و خلل‌ناپذیر رهبر فرزانه انقلاب است که این چنین هوشمندانه زمان و آینده را ترسیم می‌کنند. ایشان در تاریخ ۱۱ مرداد ۹۵ پیرامون این بدعهدی‌های امریکا این چنین می‌فرمایند: «این تجربه [برجام] به ما نشان داد که ما در هیچ مسئله‌ای نمی‌توانیم [با امریکا] مثل یک طرف مورد اعتماد بنشینیم صحبت کنیم. انسان گاهی با دشمن هم حرف می‌زند امّا دشمنی که به حرف خودش پایبند باشد و انسان بتواند اعتماد کند که او به هر دلیلی زیر قول خود و زیر تعهّدات خود نخواهد زد. با این دشمن می‌شود حرف هم زد، بله؛ امّا وقتی ثابت شد که دشمن، دشمن نابکار است، دشمنی است که در عمل، از نقض عهد هیچ ابایی ندارد و نقض عهد می‌کند، بعد هم وقتی می‌گوییم آقا چرا [نقض عهد] کردی، باز لبخند می‌زند، باز زبان چرب و نرم را باز می‌کند و یک جوری توجیه می‌کند، با این [دشمن] نمی‌شود وارد مذاکره شد. اینکه بنده سال‌ها است دائم تکرار می‌کنم که با امریکا مذاکره نمی‌کنیم علّتش این است. این نشان‌دهنده این است که [مشکلات] ما در این مسئله، در مسائل مربوط به منطقه، در مسائل گوناگونی که داریم، در مشکلاتی که با امریکا و امثال امریکا داریم، با مذاکره حل نمی‌شود؛ ما یک راهی باید خودمان انتخاب بکنیم، آن راهمان را برویم؛ بگذارید دشمن دنبال شما بدود، بگذارید دشمن دنبال شما بدود. مسئولان سیاسی و دیپلماسی ما صریحاً می‌گویند که امریکایی‌ها می‌خواهند همه چیز را بگیرند، [امّا] هیچ چیز ندهند! [اگر] یک قدم شما عقب رفتی، یک قدم جلو می‌آیند. اینکه ما مدام می‌گوییم مذاکره نمی‌کنیم، [ولی] بعضی‌ها می‌گویند آقا مذاکره که اشکالی ندارد، اشکال مذاکره این است: شما را از راه صحیح خودت منحرف می‌کند، امتیاز را از شما می‌گیرد -وقتی مذاکره کردید یعنی یک امتیازی بدهید، یک امتیاز بگیرید دیگر؛ معنای مذاکره این است دیگر؛ مذاکره، نشستن و گعده کردن و حرف زدن و گفت و شنود و خنده و شوخی که نیست، مذاکره یعنی یک چیزی بده، یک چیزی بگیر- و آنچه را باید بدهی از شما می‌گیرد، [امّا] آنچه را باید بدهد، به شما نمی‌دهد؛ زورگویی می‌کند؛ خب مستکبر یعنی همین، استکبار جهانی یعنی همین، یعنی زورگویی کردن، خودش را برتر دانستن، پایبند به حرف خود نبودن، خود را متعهّد ندانستن؛ این معنای استکبار است، وعده‌هایش را تخلّف می‌کند.»

خبر آخر

رئیسی: مراقب باشیم دشمنی که از در بیرون کردیم از پنجره وارد نشود

تولیت آستان قدس رضوی با بیان ابعاد مختلف نفوذ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی گفت: باید مراقب باشیم دشمنی را که از در بیرون کردیم از پنجره وارد نشود.

به گزارش تسنیم، حجت‌الاسلام سید ابراهیم رئیسی تولیت آستان قدس رضوی در همایش فرماندهان نیروی زمینی سپاه که در مشهد مقدس برگزار شد، با بیان اینکه ایمان، علم و دانش، شناخت دقیق ظرفیت‌ها و آمادگی برای خطر کردن، از جمله مولفه‌های قدرت است، گفت: ملتی که ایمان و دانش را توامان داشته باشد قدرتمندتر است.

وی با بیان اینکه توانمندی نیروهای مسلح موجب بهت و حیرت دنیا شده است، افزود: آمادگی برای خطر کردن یکی از مولفه‌های قدرت است و امروز نیروهای مسلح مومن و انقلابی ما آمادگی دفاع از کشور و نظام اسلامی را دارند. حجت‌الاسلام رئیسی با بیان اینکه ولایت برای انسان والاترین نعمت است، گفت: اگر نعمت ولایت را نداشته باشیم هیچ تفاوتی بین ما با سایر ملت‌های جهان نخواهد بود. حجت‌الاسلام رئیسی با بیان ابعاد مختلف نفوذ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی گفت: باید مراقب باشیم دشمنی را که از در بیرون کردیم از پنجره وارد نشود.